

شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه‌ی موردی استان لرستان)

دکترایرج ساعی ارسی^۱

شهربانو ولی پور^۲

چکیده

این مقاله درصدد شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در استان لرستان می‌باشد. جهت دستیابی به این هدف تعداد ۳۸۴ نفر از زنان توانمند استان لرستان به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. در این راستا نقش چندعامل اساسی از جمله عوامل فردی و ویژگی‌های شخصی زنان، عوامل اجتماعی-فرهنگی، عوامل سیاسی-اداری، عوامل اقتصادی، عوامل فن آوری و عوامل رقابتی بر توانمندسازی زنان مورد مطالعه قرار گرفت. این مطالعه بر حسب هدف کاربردی و براساس شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. از ابزار پرسشنامه به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد در بین عوامل فردی و ویژگی‌های شخصی زنان، میزان تحصیلات؛ در مورد عوامل اجتماعی - فرهنگی، غلبه بر تفکرهای سنتی رایج در مورد زنان؛ در رابطه با عامل سیاسی اداری، نقش سیاست‌های حمایتی دولت از زنان؛ درباره ی عامل اقتصادی، اشتغال زنان؛ در مورد عوامل فن آوری، خود فن آوری و درباره ی عامل رقابتی، ایجاد تفکر کار آفرینی نقش مهم و اساسی در توانمندسازی زنان استان لرستان داشته است.

واژه‌های کلیدی

توانمندسازی زنان، تحصیلات، تفکر سنتی، سیاست‌های دولت، اشتغال، فن آوری، تفکر کار آفرینی

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.

Email: saearasi@gmail.com

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

Email: Sharbanoo Valipoor@gmail.com

مقدمه

مطالعات اخیر صاحب نظران اجتماعی نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. بررسی‌هایی که در زمینه مشارکت زنان در امور جامعه انجام گرفته نیز حاکی از آن است که عوامل اجتماعی و فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از زن و مرد، از جمله موانع مهم بر سر راه مشارکت زنان به حساب می‌آیند.

به همین دلیل در دهه ۱۹۸۰ به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح «جنسیت و توسعه» به کار گرفته شد و در پی آن، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، راهبردهایی برای افزایش مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن موانع این هدف، اتخاذ شد. یکی از مهمترین راهبردهای عملی مشارکت زنان در توسعه، توانمندی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه مشارکت فعالانه داشته باشند.

بی‌شک جهان امروز در حال تحول و دگرگونی و مشارکت است و این تحولات خود موجب پیدایش نیازهای جدید می‌گردد و قطعاً پاسخ به این نیازها ضروری می‌باشد. واقعیت زندگی اقتضا می‌کند که حقوق و قوانینی که برای ایجاد نظم عمومی وضع شده‌اند پاسخ‌گانه کننده‌ای به آن واقعیت‌ها بدهند و بتوانند نیازهای جدید را برطرف کنند.

بدون در نظر گرفتن نیمی از سرمایه جامعه (زنان) به توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار نمی‌توان دست یافت. واقعیت این است که ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که مقبولیت و مشروعیت دولت‌ها با میزان مشارکت اجتماعی مردم به ویژه زنان سنجیده می‌شود. تجربه جهانی ثابت کرده که حضور زنان در عرصه عمومی و سطوح تصمیم‌گیری به اصلاح نظام اداری و بهبود کیفیت خدمات دولتی در کشورهای در حال توسعه کمک شایانی کرده است. بنابراین بر عهده دولت‌ها است که با فراهم سازی زمینه‌های توانمندسازی زنان به رشد و توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش کشور کمک کنند و مطمئناً عدالت اجتماعی نیز ایجاب می‌کند که به توانمندسازی زنان پردازیم.

بیان مسأله

می‌توان به خود قبولاند که نگرش‌های جنسیتی نادرست و غلط، نابرابری جنسیتی را در اکثر زنان القاء داشته، به نحوی که خود آنان نیز به طور ناخود آگاه بر این امر مهر تأیید

می‌زنند و در نتیجه انگیزه پیشرفت و موفقیت در آنها را به رکود و سستی می‌گذارد. در این ارتباط، عده‌ای معتقد بودند که انگیزه پیشرفت در زنان به اندازه مردان قوی نیست. به بیان دیگر زنان به علت اثرهای منفی موفقیت از آن اجتناب می‌ورزند. لذا هر چند به صورت بالقوه برای پیشرفت و موفقیت توانایی دارند، لیکن به علت پیامدهای منفی موفقیت، انگیزه‌های خود را بروز نمی‌دهند. نتایج منفی موفقیت برای زنان، شامل عدم محبوبیت یا زدست دادن حالت و خصوصیات زنانه و انزوای اجتماعی می‌شود.

در توضیح این که چرا زنان در همان موقعیت مردان انگیزه پیشرفت کمتری را از خود نشان می‌دهند باید به سرزنش‌هایی که به زنان می‌شود توجه نمود و این در حالی است که زنان ۵۰ درصد جمعیت جامعه جهانی را شامل شده و در عمل ۳۲ درصد از فعالیت‌های روزمره را بر عهده دارند. با این وجود تنها کمتر از یک درصد از دارایی‌های دنیامتعلق به آنها می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «زنان» نیمه‌ی گمشده جامعه بوده‌اند که بسیار مورد بی‌توجهی و فراموشی قرار گرفته‌اند. اما باید توجه داشت که نسل حاضر و نسل‌های آینده، از دامان خانواده یعنی از دامان زن و مرد به وجود می‌آیند. لذا زنان باید تصمیم گیرنده باشند و در برنامه‌های مربوط به رفع نیازهای اساسی بشر مورد توجه و تکریم قرار گیرند و برای توان بخشی آنان برنامه ریزی شده به گونه‌ای که آنان بتوانند در مسائل مختلف جامعه و خانواده مشارکت داشته باشند.

این موضوع از آنجایی بیشتر حائز اهمیت است که امروزه به ابعاد مختلف زندگی و شئون آن به صورت جامعه و فراگیر نگاه می‌شود و جامع‌نگری و اندیشه سیستمی نظریه غالب در زندگی اجتماعی به شمار می‌رود و زنان به خاطر روحیه و طبع شان بهتر و بیشتر می‌توانند با محیط اجتماعی خود رابطه برقرار کرده و از آلودگی‌ها و روابط اجتماعی متأثر شوند. تجربه نیز ثابت کرده است که زنان در برقراری ارتباط به مراتب از مردان قوی ترند چنان که دختران زودتر به کلام می‌آیند و راحت تر احساسات خود را ابراز و منتقل می‌نمایند. این در حالی است که رتق و فتق امور خانواده و مدیریت آن از نقشهای بسیار مهم و جدی زنان بوده است. به همین خاطر معروف است که می‌گویند هر چه فقر در جامعه‌ای بیشتر شود بار مشکلات به صورت تصاعدی روی دوش زنان خواهد بود و زنان سهم بیشتری از فقر نصیب شان خواهد شد.

از طرف دیگر زنان در استان لرستان بر اساس سابقه تاریخی و بافت فرهنگی این منطقه بیشتر مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند و توجه کمتری به نقش آنان در توسعه اجتماعی استان

شده است. حال آن که زنان در این استان دارای توانمندی‌های بالقوه و بالفعل خاصی هستند که اگر به آنها بها داده شود تأثیر بسیار مهم و قابل توجهی در پیشرفت استان خواهد داشت. عدم آگاهی مسئولین از راهکارهای ارتقای توانمندسازی زنان در استان لرستان پژوهشگران را بر آن داشت، تا اولاً در این رابطه با مطالعه وضع موجود به نقش زنان توانمند استان در توسعه اجتماعی استان بپردازد، ثانیاً راهکارهایی که می‌تواند به ارتقای توانمندی‌های زنان استان اعم از زنان خانه دار، شاغل، تحصیل کرده و در حال تحصیل بینجامد، بررسی نموده و آن را در اختیار مسئولین استانی برای اجرا قرار دهد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه توجه به زنان به عنوان یک گروه مشخص و متشخص در خانواده و جامعه نه به عنوان یک ضرورت بلکه به عنوان یک نیاز مطرح می‌باشد. پذیرفتن این امر که زنان گروهی پویا، پر تحرک و با انگیزه‌های فراوان می‌باشند، می‌تواند در مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها و در سرنوشت شان (که به سرنوشت کل جامعه گره خورده است) بسیار مؤثر افتد. دیگر این نظریه که زنان از انگیزه‌ی پیشرفت کمتری نسبت به مردان برخوردارند، نمی‌تواند دستاویز درستی برای در حاشیه قرار دادن زنان قلمداد گردد و باید پذیرفت جامعه‌ای که به نیرو و توانمندی‌های نیم‌ای از جمعیت خود بی توجه باشد، علاوه بر این که به ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد معنوی و فرهنگی آنان پشت کرده، به یکی از موارد اساسی در زمینه‌ی پیشرفت و تعالی نیز بی اعتنا بوده است. جمله معروفی است که می‌گوید: «اگر یک مرد را آموزش دهیم تنها یک انسان را آموزش داده‌ایم اما اگر یک زن آموزش ببیند یک خانواده را آموزش داده‌ایم و وقتی یک خانواده آموزش ببیند، ما برای آینده سرمایه‌گذاری کرده‌ایم». لذا جامعه باید ضمن حذف ارزشها و انگاره‌های منفی، زمینه‌ی جبران تبعیض‌ها را فراهم آورد چرا که توانمندسازی زنان و اولویت بخشی به زنان و فعالیت‌های مؤثر و کارای آنان در واقع سرمایه‌گذاری برای نسل‌های آتی محسوب می‌شود. استان لرستان از جمله استان‌هایی است که نزدیک به ۵۴ درصد جمعیت آن را زنان تشکیل می‌دهد و نقش این درصد از جمعیت در توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استان بسیار با اهمیت و قابل توجه است، لذا لازم و ضروری است تا با انجام یک مطالعه‌ی علمی ضمن مشخص نمودن نقش فعلی زنان توانمند در توسعه به ویژه توسعه‌ی اجتماعی استان، از آن به عنوان الگویی برای توانمندتر ساختن زنان استفاده نمود.

معیارهای توانمندسازی زنان

۱. معیارهای نظریه توانمندسازی

طبق نظریه توریسین‌های پیشگام نظریه توانمندسازی، این نظریه ۵ مرحله از برابری رادر بردارد و معیارهای آن عبارتند از ۱- رفاه ۲- دسترسی به منابع ۳- آگاهی ۴- مشارکت و ۵- کنترل طبق این نظریه مدارج بالای برابری خودبه خودبه عنوان مدارج بالای توسعه و توانمندی محسوب می‌شود.

رفاه به عنوان اولین معیار، مرحله‌ای است که طی آن مسائل مادی زنان-مانند وضعیت تغذیه و درآمد خانوار- در مقایسه با مردان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دومین مرحله، به معنای این است که زنان دارای حق برابر با مردان در دسترسی به منابع در حوزه خانواده و در مقیاس بزرگ‌تر، در نظام کشوری می‌باشد.

سومین مرحله برابری متضمن تشخیص نقش‌های جنسی و جنسیتی است که به فرهنگ بستگی داشته و قابل تغییرند و تا جایی باید پیش رفت که تقسیم کار بر حسب جنسیت مطلوب هر دو طرف باشد و نباید به معنای سلطه یک جنس بر جنس دیگر تلقی شود.

در مرحله مشارکت، برابری در مشارکت به معنای مشارکت دادن زنان در پروژه‌هایی است که آنان به نوعی در آن ذینفع هستند. به طور کلی افزایش حضور زنان در جامعه عامل بالقوه مشارکت و افزایش سطح توانا سازی زنان است.

معنی آخرین مرحله نظریه افزایش مشارکت زنان در حد تصمیم‌گیری است به نحوی که آنان را به سوی توسعه فزاینده سوق می‌دهد (شجاعی، ۱۳۷۹: ۹).

۲. معیارهای توانمندسازی در اسلام

از نظر بسیاری از صاحب نظران فقهی اندیشه اسلامی به انسان بودن زن و مرد در نظام آفرینش از دیدگاه واحدی می‌نگرند و فقط نقشها و مسئولیت‌ها بین آن دو تقسیم می‌شود و آیات متعددی در قرآن بر عدم برتری جنسیتی در آفرینش نوع انسان تأکید کرده است از جمله در سوره نساء آیات ۱-۷-۳۲-۱۹ و سوره روم آیه ۲۱ و سوره اعراف آیه ۱۸۹ و سوره احزاب آیه ۳۵ را می‌توان ذکر کرد (قرآن کریم).

آیت الله خامنه‌ای در این خصوص می‌گوید: زن را از سه دیدگاه می‌شود مورد ملاحظه قرار داد تا بینش اسلامی به زن آشکار شود.

دیدگاه اول، زن به عنوان انسان در راه تکامل معنوی و انسانی است. در این دیدگاه زن و مرد هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.

دیدگاه دوم، در زمینه‌های فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و علمی اقتصادی است. از نظر میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان کاملاً باز است. اگر کسی به استناد بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی و تلاش اقتصادی محروم کند، برخلاف حکم خدا حرفی زده است. فعالیت‌ها به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، مانعی ندارد. زنان هر چند می‌توانند تلاش اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کنند، شرع مقدس مانع نیست.

دیدگاه سوم، نگاه زن به عنوان یک عضو خانواده است. این از همه مهم‌تر است در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و چیزی را بر زن تحمیل کند. برای مرد حقوق محدودی در خانواده قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است (شجاعی، ۱۳۷۹: ۱۰).

۳. معیارهای توانمندسازی زنان در ایران

با این که ایران نیز در ردیف کشورهای در حال توسعه قرار دارد اما سابقه انقلابی و شرایط خاص فرهنگی باعث شده مسائل مربوط به زنان در ایران با کشورهای در حال توسعه دیگر متفاوت باشد. با وجود تمامی این ارزش‌های اعتقادی فاصله زیادی بین معیارهای اسلامی با پنج معیار تئوریک‌ترین‌های نظریه توانمندسازی وجود دارد که جریان این مسئله را در کشور به صورت غیر قابل تصویری کند کرده است و به سختی می‌توان تلفیقی بین این دو دیدگاه به وجود آورد...

به طور کلی توانمندسازی زنان از دو طریق میسر می‌شود:

الف) حذف عواملی که مانع از فعالیت زنان می‌شود. ب) افزایش توانایی و قابلیت آنان

با توجه به این دو طریق معیارهای کلی حقوقی در جهت توانمندسازی زنان شکل مشخصی پیدا می‌کند. اولین طریق در مورد حذف عواملی است که مانع از فعالیت زنان می‌شود، در این مورد می‌توان به خلاءهای قانونی که موجب عدم فعال بودن زنان در ایران می‌شود اشاره کرد:

الف) عدم حضور فعال زنان در سیاست گذاری مستقیم دولتی و غیردولتی - اداری و غیراداری: در اکثر قوانین از جمله قانون کار، اساسی، مدنی، جزایی و... این نقصان وجود دارد و اصلاح هر کدام از این موارد مستلزم وجود افراد متخصص فقهی و حقوقی می‌باشد که البته داشتن نگاه جنسیتی در این موارد از اهمیت بسزایی برخوردار است.

ب) حذف باورهای سنتی یا به اصطلاح فرهنگ سازی جنسیتی در توانمند سازی زنان: باورهای مربوط به نقش‌های جنسیتی که از زمان‌های دور در فرهنگ ریشه دوانده است و با توسعه تغییر به خصوصی نکرده است. تلاش در جهت معرفی برابری جنسیتی در فرایند توسعه در جهت فرهنگ سازی از اقدامات مؤثر است و همچنین با اصلاح قوانینی که موجبات فرهنگ غیر جنسیتی را محکم تر می‌کنند، می‌توان توانمند سازی زنان را توسعه بخشید.

ج) حذف خشونت علیه زنان: شاید به جرأت بتوان گفت که امحای خشونت علیه زنان ضرورتی برای توانمند سازی و سلامت زنان است. خشونت علیه زنان ضرورتی برای توانمند سازی و سلامت زنان است. خشونت در مورد زنان به معنای هر رفتار خشن و ایسته به جنسیتی است که موجب آسیب شود یا با احتمال آسیب جسمی- روانی ورنج زنان همراه گردد و عوامل ایجاد کننده آن خانواده، جوامع عمومی و یا دولت‌ها می‌باشد.

با توجه به این نکات تدوین قوانین و اجرای راه‌های پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است و عزم ملی و تلاش همگانی را می‌طلبد. قوانین مربوط به خشونت باید با محوریت پیشگیری از خشونت باشد ضمن آن که بتوان بخشی قربانیان خشونت نیز تأکید داشته باشد و مطمئناً فرهنگ سازی علیه خشونت نیز بسیار مؤثر خواهد بود.

د) کاهش تبعیض جنسیتی: بر اساس آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد درباره کاهش تبعیض جنسیتی در کشورهای در حال توسعه مشخص شده که مسئله اقتصاد نقش بسیار مهمی در امر کاهش تبعیض جنسیتی در کشورها دارد که البته کشورها در این بخش نیز باید از تمامی امکانات برای تحقق این امر استفاده کنند.

این مجمع برای بررسی وضعیت زنان، پنج بخش را تعیین کرده و بر همین اساس کشورها رده بندی شده‌اند.

این تقسیم بندی شامل حقوق کار، بهره گیری از زنان در امور مدیریتی، تحصیل و خدمات بهداشت و سلامتی است که با بازبینی قوانین مربوطه و اصلاح آن می‌توان در این باره نیز به توانمند سازی زنان رنگ تازه‌ای بخشید.

دومین راه افزایش توانایی و قابلیت زنان است که در این مورد می‌توان معیارهای زیر را مورد توجه قرار داد:

الف) آگاهی و آموزش زنان: ارائه کلیشه‌های تحقیر کننده همراه با تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی و رسانه‌های عمومی باعث تزلزل مقام و منزلت زنان شده و قابلیت‌های انسانی را از بین برده است. البته باید دانست که آموزش فقط محدود به کارهای درسی نمی‌شود بلکه باید کادر آموزشی را نیز از عواقب رفتارها و نگرش‌های شان آگاه نمود و به اصطلاح دید و نگاه جنسیتی باید بین تمامی آموزگاران علم و عمل وجود داشته باشد و مهمترین مشکل در این مسائل کپی برداری از قوانین و مقررات

موجود در کشورهای توسعه یافته است بدون توجه به مسایل انسانی منطقه‌ای وبومی و مذهبی. البته در این مورد می‌توان به تقویت ظرفیت سازی علمی، انسانی، اجرایی لازم برای توانمندسازی زنان در تمامی سازمان رانیز توصیه کرد.

ب) قراردادن توانمندسازی زنان در راس امور و مسایل کشور و بویژه در قانونگذاری کشور اصل ۲۱ قانون اساسی که مادر کشور ما محسوب می‌شود دولت را موظف کرده است که حقوق زن را در تمام جهات با تمام موازین اسلامی تضمین کند و برای ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او تدابیر لازم را اتخاذ نماید، با توجه به این اصل، دولت مردان صراحتاً در جهت احیای حقوق زنان موظف شده‌اند، اما در بعضی موارد از جمله مسائل مربوط به ازدواج، طلاق، باروری و بهداشت جنسی و... قوانین و تغییرات لازم در قوانین از بسیاری داورهای غلط و خرده گیری‌های جوامع بین المللی می‌کاهد و چه بسا ممکن است در این بازنگری‌ها نکاتی به نظر آید که با تغییر آنها بتوان اصل ۲۱ قانون اساسی را بدون داورهای غیرمنصفانه، در راستای اعتلای حقوق زنان به اجرا در آورد (کتابی، یزدانی و فرخی یزدی، ۱۳۸۲: ۸).

نظریه‌های رایج در مورد توانمندسازی زنان و موانع رشد آنها

۱. نظریه فمینیستی

بر اساس این نظریه دو مانع عمده توسعه‌ای و غیره توسعه‌ای بر توانمندسازی زنان مؤثر می‌باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱- موانع توسعه‌ای

۱-۱. موانع فرهنگی

با وجود این که عامل اقتصادی در اشتغال زنان، دارای بیشترین اهمیت می‌باشد ولی مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان داشته است. در مورد ایران، فرهنگ پذیرفته شده در جامعه این باور را به وجود آورده است که در صورت عدم موافقت شوهر با کار زن حتی در صورت تمایل او به ادامه کار، زن باید از کار خود چشم پوشی نماید. از مهمترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها

۲- عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود

۳- عدم آگاهی زنان از زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت

۴- بالاتر بودن نرخ بی سوادی زنان نسبت به مردان

۵- پایین بودن درصد متخصصین و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان

۱-۲. موانع اجتماعی

در بررسی موانع مشارکت زنان، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی‌توان کاملاً از هم تفکیک کرد و موانع اجتماعی اشتغال زنان از موانع فرهنگی، اقتصادی آنان جدانیست ولی باین حال مهمترین راه دستیابی به توسعه فرهنگی را آموزش و پرورش زنان می‌دانند که در این زمینه دونهاد مدرسه و خانواده را مهمترین عامل در آموزش، ترتیب و جامعه پذیری زنان ارزیابی می‌کنند.

ناکافی بودن آموزش در مورد زنان نسبت به مردان، فرصت رشد و ارتقاء شخصیت وجودی زنان را دچار مشکل می‌نماید و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می‌نماید که باعث می‌شود زنان در زمینه‌های شغلی، یا شرایط مساوی با مردان رانداشته و اگر هم در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان و مدیران با باهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد و تصورات و پیش داوری‌های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح خواهند داد.

۱-۳. موانع اقتصادی

در پاره‌ی موانع اقتصادی مشارکت زنان به سه عامل مهم آن اشاره می‌کنیم:

۱- کارخانه بدون دستمزد: خانه داری که عمده‌ترین کار زنان در جامعه می‌باشد، فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی را در بر می‌گیرد، نظیر امرار معاش از طریق کشاورزی در روستاها و تولید کالا و خدمات که این کارها بدون پرداخت دستمزد می‌باشد و هیچ ارزیابی اقتصادی از این فعالیت زنان به عنوان مادر یا همسر در کاهش هزینه‌های خانواده و مؤثر بودن آن در اقتصاد غیر پولی انجام نمی‌شود.

در زمینه عدم دریافت مزد در قبال کارخانه از سوی زنان خانه دار، می‌بایست اضافه کرد که کارخانه داری تولید درآمد می‌کند، ولی این درآمد پنهان است و پولی نیست که مستقیم به دست او بدهند، پولی است که به علت زحمات او در جیب خانواده می‌ماند تا برای رفاه همه خرج شود، زیرا اگر زن خانه به هر دلیلی کار خانه داری را انجام ندهد، آن خانواده ناگزیر می‌شود با پرداخت مبلغی از درآمد خانواده، فردی را برای انجام امور به استخدام در آورد و کاریک زن خانه دار از لحاظ مادی همین دستمزدی است که پرداخت نمی‌شود.

لذا کوشش‌های بیشتری لازم است تا کارخانه داری زنان به عنوان عاملی که نقش مستقیم در اقتصاد پولی کشور و درآمد خانوار دارد شناخته شود و اگر هم قابل محاسبه در نظام محاسبات مالی نباشد، می‌تواند اندازه گیری و تخمین زده شود.

این امر با توجه به این که حدود سه چهارم زنان جامعه را خانه داران تشکیل می‌دهند، از جهت زدودن باورهای غلط فرهنگی نسبت به کارهای خانگی و منزلت زنان، همچنین از لحاظ ایجاد رشد و امنیت روانی و حقوقی و اقتصادی زنان خانه دار، به ویژه از نقطه نظریت فرزندان، قابل توجه و حائز اهمیت می‌باشد.

۱-۲ اختلاف سطح دستمزدها: اختلافات در زمینه و درآمدها تاحدی ناشی از اختلافات در اشتغال است، هر چند ممکن است ساعات کار زنان، کمتر از مردان باشد و به کارهای متوسط یا پاره وقت مشغول باشند. عامل دیگری که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان تأثیر دارد، تبعیض در پرداخت دستمزد است. چنین تصور می‌شود که در دوره‌های رکود و تعدیل ساختاری بر تعداد کارگران زن افزوده شده و به میزانی که مردان شغل خود را در بخش وسیعی از دست داده‌اند، زنان مجبور بوده‌اند برای بقای خانواده در بخش غیر رسمی کار کنند و این چیزی است که یونسیف از آن به عنوان تعدیل نامرئی نام می‌برد.

محدودیت‌های شغلی زنان و هجوم زنان برای کسب مشاغل باعث می‌شود که عرضه نیروی کار زنان بیشتر از تقاضا شده و مدیران و کارفرمایان زنانی را استخدام کنند که دستمزد کمتری را خواهان هستند که موجب اختلاف دستمزدهای زنان نسبت به مردان شده و میل و رغبت زنان را برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌دهد.

در اکثر کشورهای در حال توسعه، زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند، ولی حقوق زنان ۴۰ درصد کمتر از مردان می‌باشد، این تبعیض حتی در کشورهای توسعه یافته البته باشد کمتری نیز وجود دارد، به عنوان مثال در کشورهای صنعتی و پیشرفته‌ای چون ژاپن، بسیار قابل توجه است که دستمزد زنان در مقابل مردان ۵۱ درصد برابر ۱۰۰ می‌باشد که نشان دهنده وضعیت نابرابر میان مردان و زنان می‌باشد. بهترین وضعیت را در بین کشورهای توسعه یافته، سوئد با نابرابری ۹۰ درصد برابر ۱۰۰ دارا می‌باشد، مشاهده می‌شود هنوز در جهان دستمزد مساوی با مردان برای زنان وجود ندارد.

۳-۱ نوع مشاغل: حضور زنان در برخی مشاغل که بیشتر زنانه نامیده می‌شود از جمله معلمی، بهیاری و خدمت کاری در ادارات که در ادامه نقش‌های سنتی بدون مزد زن در خانه می‌باشد، تمرکز بیشتری دارد که از کیفیت پایینی برخوردار می‌باشد. و دارای سطح

دستمزدهای پایین تری نیز هستند. لذا حضور زنان در این گونه مشاغل که آنان را به همان کارهایی که در فرهنگ سنتی در خانواده انجام می‌داده است، می‌گمارند نه تنها هیچ راهکار مناسبی برای مشارکت زنان ندارد بلکه آنان را عملاً از صحنه فعالیت اقتصادی دورنگه می‌دارد.

۲- موانع غیرتوسعه‌ای

از جمله این موارد که مربوط به ویژگی‌های زنان می‌باشد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

(الف) وجود استعداد سرشار در زنان ایرانی

(ب) تمایل و علاقه مندی بانوان ایرانی جهت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی

(ج) فراهم آمدن شرایط مناسب فردی برای بانوان نظیر شجاعت در اظهار نظرها و تصمیم‌گیری‌ها

(د) وجود نظر مساعد مسئولان مبنی بر گسترش میزان مشارکت زنان

(ه) امکان دستیابی به مسئولیت‌های مهم مملکتی توسط بانوان

به طور کلی، مشارکت و برنامه ریزی برای رفع تدریجی موانع و محدودیت‌ها با شناخت دقیق مسائل زنان در ابعاد منطقه‌ای و ملی می‌تواند در رشد و توسعه مشارکت زنان تأثیر بسزایی داشته باشد (زنجانی، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۸)

۲. نظریه سقف شیشه‌ای

بر اساس نظریه سقف شیشه‌ای سه نگرش در مورد توانمندسازی زنان وجود دارد.

اولین نگرش: دیدگاه شخص‌گرا (person-centered) می‌باشد. این دیدگاه گناه محدود بودن پیشرفت شغلی زنان را در عواملی می‌داند که درون جنس مؤنث وجود دارد. این معنی است که مشخصه‌ها و رفتارهای خاصی که توسط زنان انجام می‌شود باعث عدم پیشرفت آنها می‌شود. به عنوان نمونه، ارتباط میان جنسیت‌ها می‌تواند به مشکلاتی که زنان در کار مواجه هستند، بیفزاید. زنان و مردان هم در ارتباطات شفاهی و هم غیر شفاهی به طور متفاوتی ارتباط برقرار می‌کنند. در نتیجه این طور درک می‌شود که زنان دارای توان کمتری در ارتباطات هستند.

دومین نگرش: فرایند اجتماعی شدن فرهنگی (cultural socialization process)

است. این فرایند زنان را به سوی کارهای حرفه‌ای سوق می‌دهد نه مشاغل مدیریتی. بر اساس فرایند اجتماعی شدن فرهنگی، تمایل زنان به مدیریت تا اندازه زیادی کمتر از مردان است. جامعه پذیری زنان طوری است که زنان را فاقد اعتماد به نفس و تصمیم‌گیری برای رقابت با مردان در جهت اهداف شغلی بار می‌آورد.

سومین نگرش، نگرش‌های منفی و قالبی است که جامعه نسبت به زنان شاغل دارد. تحقیقات نشان می‌دهد زنان از گران باری نقش (Role overload) خود نسبت به همسرانشان سخن می‌گویند. توضیح سه مورد در این زمینه لازم است:

اول: کارفیزیکی بیشتری را درامورخانه داری نسبت به مردان انجام می‌دهند.

دوم: زنان اهمیت فوق العاده‌ای برای وظایف خانه داری قائل هستند.

سوم: مایوس‌کننده‌ترین عامل آن است که شغل مرد در هر صورت مهم تر از شغل زن تلقی می‌شود.

در مجموع بر اساس نظریه سقف شیشه‌ای دودسته عوامل بر عدم پیشرفت شغلی زنان تأثیر گذارند. دسته اول عوامل سازمانی است. از جمله موارد مطرح در عوامل انسانی، قوانین دولتی، ویژگی‌های شغلی، محیط کاری و تجربه کاری می‌باشند. دسته دوم عوامل نگرشی است، از جمله موانع نگرشی می‌توان به ارزشها و باورهای اجتماعی، کلیشه‌ها و تعصبات آگاهانه و ناآگاهانه که در ذهن مردم ایجاد شده به تعهدات خانوادگی اشاره نمود. در واقع عوامل نگرشی به نوعی معادل حوزه‌ی نظام فرهنگی مطرح در نظریه پارسنز می‌باشد. در این راستا توجه به مقوله کارآفرینی و نقش فن آوری اطلاعات در ارتقای توانمندسازی زنان به عنوان مهمترین راهکار اشاره می‌شود (زاهدی، ۱۳۸۶: ۸۰).

هدف‌های کلی و آرمانی پژوهش

- ۱- شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان استان لرستان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی استان
- ۲- ارائه راهکارهای اجرایی برای ارتقای توانمندی‌های زنان استان لرستان در توسعه اجتماعی استان

هدف‌های ویژه یا فرعی پژوهش:

۱. شناسایی نقش تحصیلات در توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان
۲. شناسایی تأثیر حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان
۳. شناسایی نقش اشتغال بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان

۴. شناسایی نقش سیاست‌های دولت در ارتقای توانمندی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان
۵. شناسایی نقش فن آوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان
۶. شناسایی نقش تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه ی اجتماعی استان

پرسش‌های پژوهش

- ۱- تا چه اندازه تحصیلات در توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه‌ی اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد؟
- ۲- تا چه اندازه حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه‌ی اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد؟
- ۳- تا چه اندازه اشتغال بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه‌ی اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد؟
- ۴- تا چه اندازه سیاست‌های دولت در ارتقای توانمندی زنان برای مشارکت در توسعه‌ی اجتماعی استان تأثیر گذار بوده است؟
- ۵- تا چه اندازه فن آوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه‌ی اجتماعی استان تأثیر دارد؟
- ۶- تا چه اندازه تفکر کار آفرینی بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه‌ی اجتماعی استان تأثیر دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- میزان تحصیلات در توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد.
- ۲- حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد.
- ۳- اشتغال بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد.
- ۴- سیاست‌های دولت در ارتقای توانمند سازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی استان تأثیر دارد.

۵- فن آوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان تأثیر دارد.

۶- ایجاد تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان تأثیر دارد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه زنان توانمند استان لرستان (زنانی که از نظر جایگاه اجتماعی و اقتصادی در استان لرستان شناخته شده هستند).

نمونه آماری (محاسبه حجم نمونه)

نمونه آماری تعداد محدودی از آحاد جامعه آماری هستند که بیان کننده ویژگی‌های اصلی جامعه می‌باشد.

در این پژوهش تعداد ۳۸۴ نفر از زنان توانمند استان به عنوان نمونه آماری بر اساس فرمول نمونه گیری زیر انتخاب می‌شوند.

$$n \geq \frac{Z^2 \frac{\alpha}{2} \times p \times q}{d^2} = \frac{1.96^2 \times 0.05 \times 0.5}{0.05^2} = 384$$

در فرمول فوق، نمونه گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با لحاظ نمودن ۵ درصد خطا انجام شده است.

$$z(0.025) = \pm 1.96 \text{ و } \frac{\alpha}{2} = 0.025, \alpha = 0.025$$

مقدار p , q با استفاده از روش احتیاطی برابر ۵۰ درصد در نظر گرفته شده است. همچنین خطای ابزار اندازه گیری ۵ درصد لحاظ شده است.

روش نمونه گیری

در این تحقیق برای نمونه گیری از روش غیر تصادفی سهمیه‌ای استفاده شده است. بدین معنا که افراد خاصی از زنان که دارای توانمندی‌های خاصی هستند به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند.

ابزار اندازه گیری

در این تحقیق از ابزار پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است.

شیوه گردآوری داده‌ها

اطلاعات موردنیاز این پژوهش از دوروش جمع آوری شده است.
الف- مطالعات اسنادی: در این روش برای تدوین مبانی نظری از مقالات لاتین و فارسی مرتبط باموضوع، کتب فارسی و لاتین مرتبط باموضوع و اینترنت استفاده می‌شود.
ب- مطالعات میدانی: در این روش با استفاده از ابزار پرسشنامه و توزیع آن بین نمونه آماری اطلاعات موردنیاز برای بررسی فرضیه‌های پژوهش جمع آوری می‌گردد.

اعتبار ابزار اندازه گیری

جهت تعیین روایی ابزار از نظر صاحب‌نظران استفاده شده است. جهت تعیین پایانی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ آن استفاده شده است. بدین صورت ابتدا تعداد ۵۰ پرسش‌نامه بین نمونه آماری توزیع گردید و ضریب آلفایی کرونباخ آن محاسبه گردید. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برابر ۰/۷۱۴۳ است. از آن جاکه این ضریب بیش از ۰/۷ است، لذا ابزار از پایایی لازم برخوردار است.

روش آماری (روش تجزیه و تحلیل داده‌ها)

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. به طوری که برای توصیف متغیرهای جمعیت‌شناسی تحقیق و نیز متغیرهای معرف فرضیه‌های پژوهش بر حسب درصد و فراوانی در قالب جدول و نمودار از آمار توصیفی شده است.
همچنین برای تعیین تأثیر توانمندسازی زنان در توسعه اجتماعی استان و نقش میزان تحصیلات، فن آوری اطلاعات و ایجاد تفکر کارآفرینی در توانمندسازی زنان با توجه به مقیاس لیکرت در طراحی پرسشنامه از آزمون تی تک نمونه‌ای (one sample t-test) استفاده شده است.

مدل پژوهش

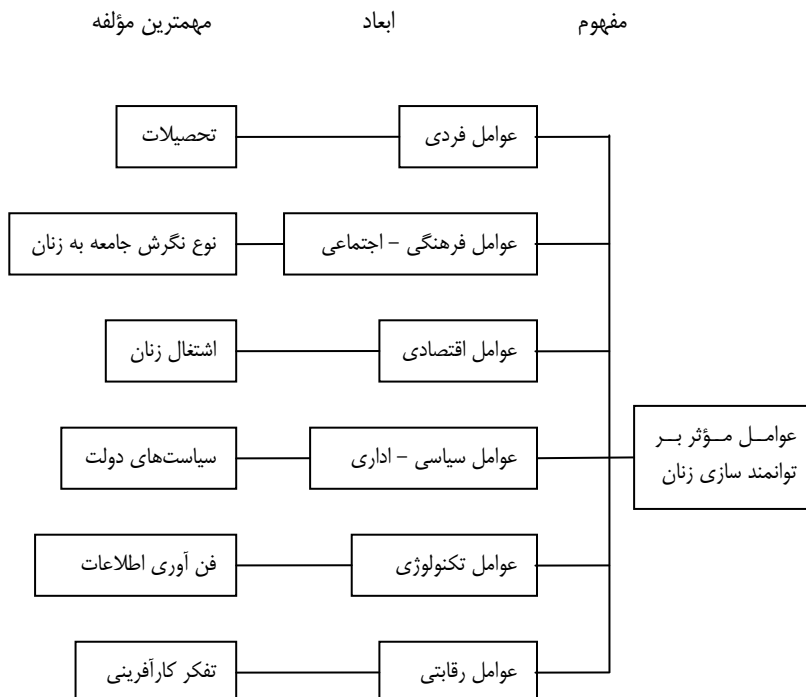
بر اساس مطالعات صورت گرفته و مطابق آنچه که در مبانی نظری پژوهش ارائه گردید عوامل مهم مؤثر بر توانمندسازی زنان عبارتند از عوامل فردی، عوامل فرهنگی، اقتصادی، عوامل اداری سیاسی، عوامل فن آوری و عوامل رقابتی. در میان عوامل فردی شاخصترین بعد از میزان تحصیلات زنان در جامعه می‌باشد، بدین معنا هر اندازه زنان در کسب دانش و علم موفق باشند به همان نسبت می‌توانند نقش مهم مؤثری در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه داشته

باشند و در طول تاریخ زنان آگاه و دارای بصیرت و دانش کافی از نقش مهم و برجسته‌ای در آبادانی کشور برخوردار بوده‌اند. از مؤلفه‌های مهم عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان حذف تفکر سنتی در مورد توانمندسازی زنان می‌باشد، بدین معنا که نگرش سنتی بر این اعتقاد بوده است که زنان به دلیل احساسات زنانگی خود قادر به درک واقعیت‌های مسائل مهم زندگی اجتماعی نیستند و نقش آن‌ها به تربیت فرزندان و امور خانه داری محدود می‌شود. حال آنکه در جوامعی که زنان را از مردان جدا نمی‌کنند و به توانمندی زنان ارزش و بهاء داده شده است ما شاهد رشد و شکوفایی آن جوامع بوده‌ایم. عامل اقتصادی از جمله عوامل مهمی است که نقش مهمی در توانمندسازی زنان دارد. از مهمترین مؤلفه‌های عامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی در جامعه اشتغال می‌باشد. اشتغال فرصت مناسبی را برای زنان فراهم می‌کند تا با دنیای اطراف خود ارتباط مؤثرتری برقرار نماید و توانمندی‌ها و پتانسیل‌های خود را نشان دهد. اشتغال عامل مهمی است که می‌تواند بر تفکر سنتی نسبت به توانایی‌های زنان غلبه نماید. از ابعاد مهم عامل سیاسی که بر توانمندسازی زنان تأثیر گذار است سیاست‌های دولت در خصوص زنان جامعه می‌باشد. دولت باید تا اندازه‌ای زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای بروز توانمندی‌های بالقوه و بالفعل زنان را فراهم نماید. بنابراین نقش مهم بر توانمندسازی زنان دارد. دولت‌های مختلف در مورد اشتغال زنان و بهاء دادن به توانمندی‌های آنان سیاست‌های متمایزی را اتخاذ می‌نمایند. اما آنچه مبرهن است دولت‌ها به اهمیت توانمندی‌های زنان و استفاده از توانمندی‌های قشر عظیمی از افراد جامعه خود واقف گشته‌اند و برنامه‌های متعددی را در این راستا تدوین و اجرا نموده‌اند. از دیگر عوامل مهم و تأثیر گذار بر توانمندی‌های زنان عامل فن آوری است. امروزه به مدد گسترش فن آوری‌های اطلاعات زمینه‌های کاری آسان‌تر برای زنان فراهم گشته است. کار در منزل و برقراری ارتباط با دنیای مجازی نقش مهمی بر آگاه سازی و توانمندی‌های زنان در جوامع مختلف داشته است. به طوری که فن آوری‌های اطلاعات با در اختیار قرار دادن و آگاه نمودن زنان نسبت به حقوق خود جایگاه ویژه‌ای در توانمندسازی آنان داشته است.

عامل رقابتی از دیگر عوامل مهم و مؤثر امروزی در توانمندسازی زنان جامعه می‌باشد. مهمترین مؤلفه عامل رقابتی کار آفرینی زنان می‌باشد. تفکر کار آفرینی و اینکه زنان در زمینه ایجاد کسب و کار، خلاقیت و نوآوری می‌توانند مانند مردان و حتی در پاره‌ای از موارد بهتر از مردان ظاهر شوند نقش بارزی در توانمندسازی زنان داشته است. چه بسا امروزه ما

شاهد آن هستیم که بسیاری از کسب و کارهای موفق، شرکتها و واحدهای تولیدی پیشرو توسط زنان راهاندازی، مدیریت و هدایت شده است.

شکل شماره ۱: مفهوم، ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان



جدول شماره ۱: ارتباط بین چارچوب نظری و فرضیه‌های تحقیق

ردیف	چارچوب نظری	فرضیه‌ها
۱	موانع غیر توسعه‌ای فمینیستی	تأثیر تحصیلات بر توانمندسازی
۲	موانع توسعه‌ای نظریه فمینیستی	تأثیر حذف تفکر سنتی بر توانمندی سازی
۳	موانع توسعه‌ای نظریه فمینیستی	تأثیر اشتغال بر توانمندی سازی
۴	موانع توسعه‌ای نظریه فمینیستی	تأثیر سیاست‌های دولت بر توانمندسازی
۵	نظریه سقف شیشه‌ای	تأثیر فن آوری اطلاعات بر توانمندسازی
۶	نظریه سقف شیشه‌ای	تأثیر تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی

نتایج پژوهش

۱- توصیف شاخص‌های معرف متغیرهای پژوهش

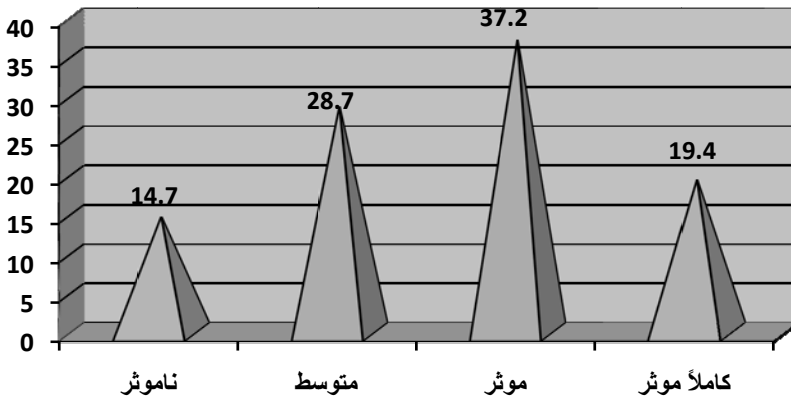
۱.۱- تأثیر عامل اقتصادی بر توانمندسازی زنان

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از پرسش نامه، فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل اقتصادی بر توانمندسازی زنان مطابق جدول شماره ۲ و نمودار شماره (۱) می‌باشد.

جدول شماره (۲) فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل اقتصادی بر توانمندسازی زنان

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	پرسشها
۰	۹۲	۱۸۲	۱۱۰	۰	۱- تا چه اندازه احساس می‌کنید از نظر پایگاه اقتصادی در جایگاه مناسب خود قرار گرفته‌اید؟
۷۵	۱۰۷	۱۰۹	۹۳	۰	۲- تا چه اندازه به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود امیدوار هستید؟
۰	۱۵۲	۱۸۷	۴۵	۰	۳- تا چه اندازه احساس می‌کنید از نظر شغلی در جایگاه مناسب خود بکار گرفته شده‌اید؟
۱۴۰	۱۶۸	۶۱	۱۵	۰	۴- به نظر شما تا چه اندازه داشتن یک شغل اولیه در توانمندسازی زنان تأثیر گذار است؟
۹۲	۱۷۰	۷۶	۴۶	۰	۵- آیا داشتن شغل در ابتدا در توانمندی شما تأثیر گذار بوده است؟
۱۴۰	۱۶۸	۴۶	۳۰	۰	۶- تا چه اندازه بیکاری و نبود شغل در استان لرستان عامل توانمند نبودن زنان محسوب می‌شود؟
۴۴۷	۸۵۷	۶۶۱	۳۳۹	۰	جمع (تعداد)
۱۹/۴	۳۷/۲	۲۸/۷	۱۴/۷	۰/۰	درصد

نمودار شماره (۱) درصد فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل اقتصادی بر توانمندسازی زنان



مطابق جدول شماره ۲ و نمودار شماره (۱) حدود ۱۴/۷ درصد پاسخ دهندگان عامل اقتصادی را نامؤثر، ۲۸/۷ درصد با تأثیر متوسط، ۳۷/۲ درصد مؤثر و ۱۹/۴ درصد کاملاً مؤثر بر توانمندسازی زنان دانسته‌اند. در این رابطه داشتن شغل و حرفه با بیشترین ضریب اهمیت تأثیر زیادی بر توانمندسازی زنان داشته است.

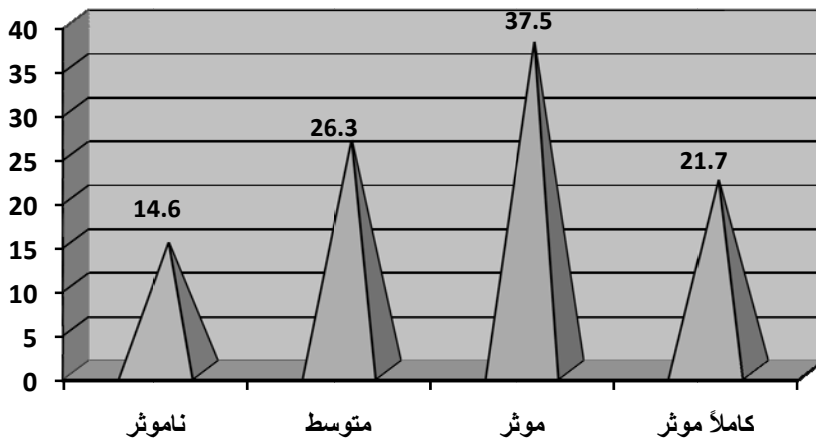
۱.۲- تأثیر عامل فرهنگی - اجتماعی بر توانمندسازی زنان

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه، در یک نگاه فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فرهنگی - اجتماعی بر توانمندسازی زنان مطابق جدول شماره ۳ و نمودار شماره (۲) می‌باشد.

جدول شماره (۳) فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فرهنگی بر توانمندسازی زنان

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	پرسشها
۱۲۱	۹۰	۱۷۳	۰	۰	۱- تا چه اندازه احساس می‌کنید در میان همسالان در جایگاه مناسب ارزشی خود قرار گرفته‌اید؟
۶۱	۱۸۳	۹۴	۴۶	۰	۲- تا چه اندازه احساس می‌کنید از مقبولیت و اعتماد اجتماعی لازم برخوردار هستید؟
۱۳۷	۹۴	۷۷	۷۶	۰	۳- تا چه اندازه مشارکت در کارهای گروهی برای شما اهمیت دارد؟
۴۵	۱۸۵	۹۳	۶۱	۰	۴- تا چه اندازه غلبه بر تفکرهای سنتی در مورد توان زنان در موفقیت شما مؤثر بوده است؟
۹۰	۲۰۲	۷۷	۱۵	۰	۵- به نظر شما تا چه اندازه در حال حاضر تفکر سنتی در عدم توانمند بودن زنان مؤثر بوده است؟
۴۵	۱۰۹	۹۱	۱۳۹	۰	۶- به نظر شما تا چه اندازه در حال حاضر تفکر سنتی در عدم توانمند بودن زنان مؤثر بوده است؟
۴۹۹	۸۶۳	۶۰۵	۳۳۷	۰	جمع (تعداد)
۲۱/۷	۳۷/۵	۲۶/۳	۱۴/۶	۰/۰	درصد

نمودار شمار (۲) درصد فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فرهنگی بر توانمندسازی زنان



مطابق جدول شماره (۳) و نمودار شماره (۲) حدود ۱۴/۶ درصد پاسخ دهندگان عامل فرهنگی - اجتماعی را ناموثر، ۲۶/۳ درصد با تأثیر متوسط، ۳۷/۵ درصد موثر و ۲۱/۷ درصد کاملاً موثر بر توانمندسازی زنان دانسته‌اند. در این رابطه غلبه و مقابله با تفکر سنتی در مورد توانمندسازی زنان تأثیر زیادی بر توانمندسازی آنان دارد.

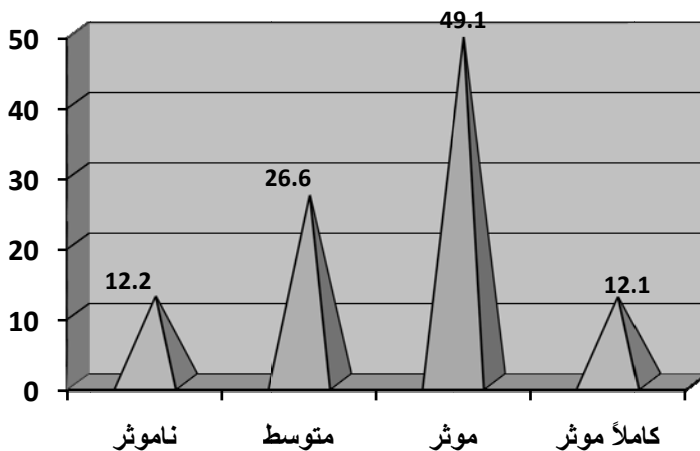
۱.۳- تأثیر عامل سیاسی - اداری بر توانمندسازی زنان

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه، در یک نگاه فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل سیاسی - اداری بر توانمندسازی زنان مطابق جدول شماره (۴) و نمودار شماره (۳) می‌باشد.

جدول شماره (۴) فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل سیاسی - اداری بر توانمندسازی زنان

پرسشها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱- تا چه اندازه به وجود سیاست‌های حمایتی دولت از توانمندسازی زنان اعتماد دارید؟	۰	۶۲	۱۲۳	۱۶۸	۳۱
۲- تا چه اندازه سیاست‌های حمایتی دولت در توانمندی شما اثر گذار بوده است؟	۰	۳۲	۱۳۶	۱۸۵	۳۱
۳- تا چه اندازه نبود سیاست‌های حمایتی دولت در استان لرستان در ناتوانی زنان تأثیر گذار بوده است؟	۰	۴۶	۴۸	۲۱۳	۷۷
جمع (تعداد)	۰	۱۴۰	۳۰۷	۵۶۶	۱۳۹
درصد	۰/۰	۱۲/۲	۲۶/۶	۴۹/۱	۱۲/۱

نمودار شماره (۳) درصد فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل سیاسی بر توانمندسازی زنان



مطابق جدول شماره (۴) و نمودار شماره (۳) حدود ۱۲/۲ درصد پاسخ دهندگان عامل سیاسی - اداری را ناموثر، ۲۶/۶ درصد با تأثیر متوسط، ۴۹/۱ درصد مؤثر بر توانمندسازی زنان دانسته‌اند. در این رابطه سیاست‌های حمایتی دولت تأثیر زیادی بر توانمندسازی زنان دارد.

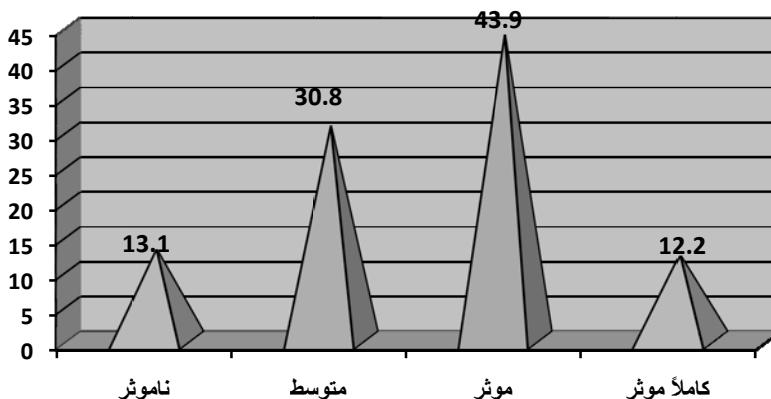
۱.۴- تأثیر عامل فن آوری بر توانمندسازی زنان

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه، در یک نگاه فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فن آوری بر توانمندسازی زنان مطابق جدول شماره (۵) و نمودار شماره (۴) می‌باشد.

جدول شماره (۴) فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فن آوری بر توانمند سازی زنان

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	پرسشها
۶۲	۱۳۹	۱۲۳	۶۰	۰	۱- به نظر شما تا چه اندازه فن آوری اطلاعات در توانمندسازی زنان نقش دارد؟
۴۷	۱۵۳	۱۶۹	۱۵	۰	۲- تا اندازه فن آوری اطلاعات و دسترسی به آن در توانمندی شما تأثیر گذار بوده است؟
۳۱	۲۱۴	۶۳	۷۶	۰	۳- تا چه اندازه عدم گسترش فن آوری اطلاعات در استان لرستان را عامل ناتوانی زنان می‌دانید؟
۱۴۰	۵۰۶	۳۵۵	۱۵۱	۰	جمع (تعداد)
۱۲/۲	۴۳/۹	۳۰/۸	۱۳/۱	۰/۰	درصد

نمودار شماره (۴) درصد فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فن آوری بر توانمندسازی زنان



مطابق جدول شماره (۵) و نمودار شماره (۴) حدود ۱۳/۱ درصد پاسخ دهندگان عامل فن آوری را نامؤثر، ۳۰/۸ درصد با تأثیر متوسط، ۴۳/۹ درصد مؤثر و ۱۲/۲ درصد کاملاً مؤثر بر توانمندسازی زنان دانسته‌اند. در این رابطه گسترش فن آوری‌های اطلاعات تأثیر زیادی بر توانمندسازی زنان دارد.

۱.۵- تأثیر عامل رقابتی بر توانمندسازی زنان

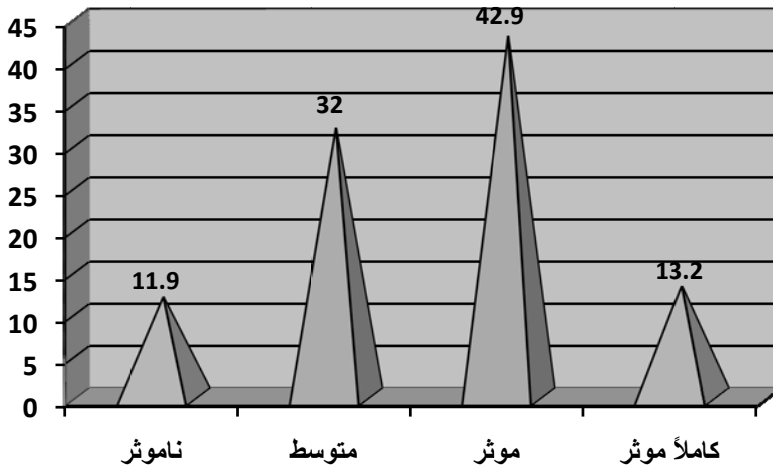
بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه، در یک نگاه فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل رقابتی بر توانمندسازی زنان مطابق جدول شماره (۶) و نمودار شماره (۵) می‌باشد.

جدول شماره (۶۵) فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل رقابتی بر

توانمندسازی زنان

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	پرسشها
۶۱	۲۰۲	۷۶	۴۵	۰	۱- تا چه اندازه وجود تفکر کارآفرینی را بر توانمندسازی زنان مؤثر می‌دانید؟
۳۰	۱۳۷	۱۷۱	۴۶	۰	۲- تا اندازه وجود بینش و نگرش کارآفرینی در توانمندی شما مؤثر بوده است؟
۶۱	۱۵۵	۱۲۲	۴۶	۰	۳- تا چه اندازه نبود روحیه کارآفرینی در بین زنان استان لرستان را عامل توانمند نبودن آن‌ها می‌دانید؟
۱۵۲	۴۹۴	۳۶۹	۱۳۷	۰	جمع (تعداد)
۱۳/۲	۴۲/۹	۳۲	۱۱/۹	۰/۰	درصد

نمودار شماره (۵) فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل رقابتی بر توانمندسازی زنان



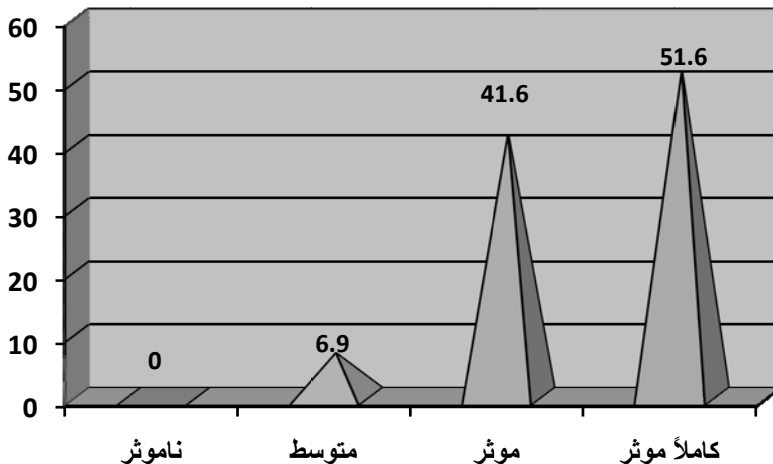
مطابق جدول شماره (۶) و نمودار شماره (۵) حدود ۱۱/۹ درصد پاسخ دهندگان عامل رقابتی را نامؤثر، ۳۲ درصد با تأثیر متوسط، ۴۲/۹ درصد مؤثر و ۱۳/۲ درصد کاملاً مؤثر بر توانمندسازی زنان دانسته‌اند. در این رابطه بینش و تفکر کارآفرینی تأثیر زیادی بر توانمندسازی زنان دارد.

۱.۶- تأثیر عامل اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه، در یک نگاه فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فردی بر توانمندسازی زنان مطابق جدول شماره (۷) و نمودار شماره (۶) می‌باشد.

جدول شماره (۷) فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فردی بر توانمندسازی زنان

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	پرسشها
۲۲۸	۱۴۰	۱۶	۰	۰	۱- به نظر شما تا چه اندازه تحصیلات در توانمندسازی زنان تأثیر گذار است؟
۱۶۷	۱۸۵	۳۲	۰	۰	۲- تا چه اندازه تحصیلات در توانمندی شما تأثیر گذار بوده است؟
۱۹۹	۱۵۴	۳۱	۰	۰	۳- تا چه حد بیسوادی یا کم سوادی زنان استان لرستان را در ناتوانی آن‌ها مؤثر می‌دانید؟
۵۹۴	۴۷۹	۷۹	۰	۰	جمع (تعداد)
۵۱/۶	۴۱/۶	۶/۹	۰/۰	۰/۰	درصد

نمودار شماره (۶) درصد فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب پاسخ به پرسش‌های معرف تأثیر عامل فردی بر توانمندسازی زنان



مطابق جدول شماره (۷) و نمودار شماره (۶) صفر درصد پاسخ دهندگان عامل فردی را نامؤثر، ۶/۹ درصد با تأثیر متوسط، ۴۱/۶ درصد مؤثر بر توانمندسازی زنان دانسته‌اند. در این رابطه تحصیلات تأثیر زیادی بر توانمندسازی زنان دارد.

تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، تحلیلها براساس فرضیه‌های پژوهش انجام می‌گیرد.
فرضیه اول پژوهش: میزان تحصیلات بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد.
 جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون T تک نمونه‌ای (one sample T-Test) استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره (۸) می‌باشد.

جدول شماره (۸) نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای جهت شاسایی تأثیر تحصیلات بر توانمندسازی زنان

ارزش آزمون = ۰						
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره تی	
حداکثر	حداقل					
۴/۴۹۵۵	۴/۳۹۸۶	۴/۴۴۷	۰.۰۰۰	۳۸۳	۱۸۰/۶۲۹	تأثیر تحصیلات بر توانمندسازی

براساس جدول شماره (۸) میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد تأثیر تحصیلات بر توانمندسازی زنان براساس طیف لیکرت ۴/۴۴۷۰ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه ۴/۳۹۸۶ تا ۴/۵۵۴۹ قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۴/۳۹۸۶) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد، می‌توان استدلال نمود تحصیلات تأثیر مهمی بر توانمندسازی زنان دارد. با توجه به این که سطح معنی دارای آزمون کمتر از ۵ درصد است، نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است.

فرضیه دوم پژوهش: حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد.
 جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون T تک نمونه‌ای (One sample T- Test) استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره (۹) می‌باشد

جدول شماره (۹) نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای جهت شناسایی تأثیر حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان

ارزش آزمون = ۰						
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره تی	
حداکثر	حداقل					
۳/۷۰۱۶	۳/۶۲۱۶	۳/۶۶۱۵	۰/۰۰۰	۳۸۳	۱۷۹/۱۴۹	تأثیر حذف تفکر سنتی

بر اساس جدول شماره (۹) میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد تأثیر حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان بر اساس طیف لیکرت ۵ از ۳/۶۶۱۵ تا ۳/۷۰۱۶ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه ۳/۶۲۱۶ تا ۳/۷۰۱۶ قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳/۶۲۱۶) بیشتر از حد متوسط است، می‌توان استدلال نمود حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان تأثیر دارد. با توجه به این که سطح معنی داری آزمون کمتر از ۵ درصد است، نتیجه حاصل از نظر آماری معنی دار است.

فرضیه سوم پژوهش: اشتغال بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان لرستان تأثیر دارد.

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون T تک نمونه‌ای (one sample T-Test) استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره (۱۰) می‌باشد.

جدول شماره (۱۰) نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای جهت شناسایی تأثیر اشتغال بر توانمندسازی زنان

ارزش آزمون = ۰						
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره تی	
حداکثر	حداقل					
۳/۶۵۰۵	۳/۵۷۵۲	۳/۶۱۲۸	۰/۰۰۰	۳۸۳	۱۸۸/۷۴۲	تأثیر اشتغال

براساس جدول شماره (۱۰) میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری درمورد تأثیر تحضیلات بر توانمندسازی زنان براساس طیف لیکرت ۳/۶۱۲۸ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه ۳/۵۷۵۲ تا ۳/۶۵۰۵ قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳/۵۷۵۲) بیشتر از حد متوسط (۳) می‌باشد، می‌توان استدلال نمود تحضیلات تأثیر مهمی بر توانمندسازی زنان دارد. با توجه به این که سطح معنی داری آزمون کمتر از ۵ درصد است، نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است.

فرضیه چهارم پژوهش: سیاست‌های دولت در ارتقای توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی استان تأثیر دارد.

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون T تک نمونه‌ای (One sample T-Test) استفاده شده است. نتایج از این آزمون مطابق جدول شماره (۱۱) می‌باشد

جدول شماره (۱۱) نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای جهت شناسایی تأثیر سیاست‌های دولت بر توانمندسازی زنان

ارزش آزمون = ۰						تأثیر سیاست‌های دولت
در سطح		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره تی	
اطمینان ۹۵ درصد	حداکثر					
۳/۶۵۶۴	۳/۵۶۵۹	۳/۶۱۱۱	۰/۰۰۰	۳۸۳	۱۵۶/۸۷۹	

براساس جدول شماره (۱۱) میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری درمورد تأثیر سیاست‌های دولت بر توانمندسازی زنان براساس طیف لیکرت ۳/۶۱۱۱ از ۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه ۳/۵۶۵۹ تا ۳/۶۵۶۴ قرار می‌گیرد. از آنجا که حد پایین این دامنه (۳/۵۶۵۹) بیشتر از حد متوسط است، می‌توان استدلال نمود حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان تأثیر دارد.

با توجه به این که سطح معنی داری آزمون کمتر از ۵ درصد است، نتیجه حاصل از آمار معنی دار است.

فرضیه پنجم پژوهش: فنآوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی استان تأثیر دارد.

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون T تک نمونه‌ای (One sample T-Test) استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره (۱۲) می‌باشد.

جدول شماره (۱۲) نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای جهت شناسایی تأثیر فن آوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان

ارزش آزمون = ۰						
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آره تی	
۳/۶۱۲۵	۳/۴۹	۳/۵۵۱۲	۰/۰۰۰	۳۸۳	۱۱۳/۹۷۸	تأثیر فن‌آوری اطلاعات

بر اساس جدول شماره (۱۲) میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان بر اساس طیف لیکرت ۳/۵۵۱۵ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه ۳/۴۹ تا ۳/۶۱۲۵ قرار می‌گیرد. از آنجاکه حد پایین این دامنه (۳/۴۹) بیشتر از حد متوسط (عدد ۳) می‌باشد، می‌توان استدلال نمود فن‌آوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان تأثیر دارد. همچنین با توجه به این که سطح معنی داری آزمون کمتر از ۵ درصد است، نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است.

فرضیه ششم پژوهش: ایجاد تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه اجتماعی زنان تأثیر دارد.

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون T تک نمونه‌ای (One sample T-Test) استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون مطابق جدول شماره (۱۳) می‌باشد.

جدول شماره (۱۳) نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای جهت شناسایی تأثیر ایجاد تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی زنان

ارزش آزمون = ۰						
در سطح اطمینان ۹۵ درصد		میانگین رتبه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره تی	
حداکثر	حداقل					
۳/۶۴۲۶	۳/۵۰۵۰	۳/۵۷۳۸	۰/۰۰۰	۳۸۳	۱۰۲/۱۸۰	تأثیر تفکر کارآفرینی

براساس جدول شماره (۱۳) میانگین رتبه پاسخ‌های ارائه شده توسط نمونه آماری در مورد تأثیر تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی زنان براساس طیف لیکرت ۳/۵۷۳۸ می‌باشد چنانچه این میانگین به جامعه تعمیم داده شود، میانگین پاسخ‌ها در دامنه ۳/۵۰ تا ۳/۶۴۲۶ قرار می‌گیرد. از آنجاکه حد پایین این دامنه (۳/۵۰) بیشتر از حد متوسط (عدد ۳) می‌باشد، می‌توان استدلال نمود تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی زنان تأثیر دارد. همچنین با توجه به این که سطح معنی داری آزمون کمتر از ۵ درصد می‌باشد، نتیجه بدست آمده از نظر آماری کاملاً معنی دار است.

اولویت بندی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان

جهت تعیین اولویت عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان از آزمون تحلیل واریانس فریدمن استفاده شده است.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره ۱۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۴ اولویت بندی عوامل مؤثر بر توانمندی زنان در استان لرستان

رتبه	میانگین رتبه	عامل
۴	۳/۱۸	تأثیر اشتغال بر توانمندسازی زنان
۲	۳/۲۹	تأثیر حذف تفکر سنتی بر توانمندسازی زنان
۵	۲/۲۹۸	تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر توانمندسازی زنان
۶	۲/۸۸	تأثیر فناوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان
۳	۳/۲۶	تأثیر تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی زنان
۱	۵/۴۲	تأثیر ویژگی‌های فردی بر توانمندسازی زنان

مطابق جدول شماره (۱۴) ویژگی‌های فردی زنان به ویژه میزان تحصیلات آنها از جهت تأثیر گذاری بر توانمندسازی زنان در اولویت اول، حذف تفکر سنتی در اولویت دوم تفکر کارآفرینی در اولویت سوم، اشتغال در اولویت چهارم، سیاست‌های حمایتی دولت در اولویت پنجم و فن آوری اطلاعات در اولویت ششم قرار دارد. معنی دار بودن آزمون فریدمن در جدول شماره (۱۵) بررسی شده است.

جدول شماره (۱۵) معنی داری اولویت بندی انجام شده توسط آزمون فریدمن

تعداد	۳۸۳
مجذورکای	۵۲۵/۷۱۳
درجه آزادی	۵
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

مطابق جدول شماره (۱۵) آزمون فریدمن با تعداد ۳۸۴ نفر، مجذورکای ۵۲۵/۷۱۳ و درجه آزادی ۵ با توجه به کمتر از ۵ درصد بودن سطح معنی داری آن، از نظر آماری معنی دار است.

پیشنهادهای پژوهش

۱- نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تحصیلات مهمترین نقش را در توانمندسازی زنان در استان لرستان دارد.

با توجه به اینکه بر اساس آمار بی سواد در این استان بالاتر از میانگین کشوری می باشد، لذا پیشنهاد می گردد متولیان آموزش در استان توجه بیشتری به آموزش بانوان داشته و در راستای ریشه کنی بی سواد در این استان باید فعالیت خود را با برنامه های دقیق بیشتر نمایند.

۲- نتایج این پژوهش نشان داد که غلبه بر تفکرهای سنتی در توانمندسازی زنان نقش اساسی و کلیدی دارد، لذا پیشنهاد می گردد صدا و سیما در استان در راستای آگاه سازی مردم استان نسبت به حذف تفکر سنتی و اصلاح فرهنگ و باورهای آن نسبت به این مهم بیشتر همت گمارد.

۳- یافته های این پژوهش بیانگر این امر بود که سیاستهای حمایتی دولت می تواند در توانمندسازی زنان مؤثر باشد، لذا پیشنهاد می گردد سیاستهای دولت در این استان به گونه ای باشد که امکان تصدی پست های مدیریتی برای زنان فراهم گردد. به زنان توانمندی های آنها بهاء بدهد و نهادهای مربوط به امور بانوان با دادن اعتبارات از جانب دولت بیشتر تقویت گردد.

۴- نتایج این پژوهش نشان داد عامل اقتصادی هم بر توانمندسازی زنان نقش کلیدی دارد. وجود اشتغال برای بانوان آنها را به زندگی دل گرمتر می کند، لذا پیشنهاد می گردد در اداراتی که زنان می توانند به واسطه توانمندی های خاصی که دارند موفق تر عمل نمایند، بیشتر از زنان استفاده شود.

۵- نتایج پژوهش بیانگر این امر است که فنآوری اطلاعات نقش مهمی در توانمندسازی زنان دارد لذا پیشنهاد می‌گردد با توسعه فنآوری‌های اطلاعات در استان و آموزش بانوان، امکان استفاده بیشتر از فن آوری اطلاعات توسط بانوان فراهم گردد.

۶- از دیگر نتایج این پژوهش تأثیر ایجاد تفکر کارآفرینی بر توانمندسازی زنان است. با توجه به اینکه کارآفرینی از عوامل بسیار مهم و اساسی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع به شمار می‌رود لذا توجه بیشتر به این امر توسط دولت به ویژه نسبت به بانوان از طریق فراهم نمودن اعتبارات و کمک‌های بلا عوض و حمایت از طرح‌ها و ایده‌های نو و کارآفرینانه در این راستا از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

منابع

منابع فارسی

- ۱- آبوت، پاملا، والاس، کلر (۱۳۸۰): جامعه‌شناسی زنان، میژو نجم عراقی، (مترجم) تهران، نشرنی.
- ۲- اسحاق حسینی، سیداحمد (۱۳۸۲): مجموعه مقالات زنان، مشارکت و برنامه ریزی برای توسعه پایدار، تهران، برگ زیتون.
- ۳- افتخار، رفیع (۱۳۸۲): انگیزه‌های کارآفرینی در فعالیتهای اقتصادی و اشتغال زنان، تهران، زن و توسعه.
- ۴- آملی، احمد (۱۳۸۲): اشتغال زنان، نافه، سال اول، شماره ۱ و ۱۲.
- ۵- بوذری، سیما (۱۳۸۰): جایگاه زنان در آموزش عالی از دیدگاه آمار، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- ۶- خضری، محمد (۱۳۸۰): تأثیر سیاست‌های دولت پس از انقلاب بر خانواه، فصل نامه کتاب زنان، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۱۳.
- ۷- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (۱۳۷۲): نقش زنان در توسعه، تهران، روشنگران.
- ۸- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۶): زن و توسعه، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۹- زنجانی زاده، هما (۱۳۸۴): مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، چالش‌های نوین، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹.
- ۱۰- سفیری، خدیجه (۱۳۸۲): اشتغال زنان در توسعه رضایت شغلی و نوع مشاغل، مجموعه مقالات زنان، مشارکت و برنامه ریزی برای توسعه پایدار، تهران، برگ زیتون.
- ۱۱- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱): توسعه و چالش‌های زنان در ایران، تهران، نشر قطره.
- ۱۲- شجاعی، زهرا (۱۳۷۹): مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان، امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران، نشر مرکز.
- ۱۳- صادقی، مسعود عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۳): تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱.
- ۱۴- صالحی، ابراهیم (۱۳۸۰): بررسی گسترش آموزش عالی در ایران با رجوع خاص به مشارکت زنان، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۵- عالی پور، زهره، (۱۳۸۱)، تجربه کارآفرینی زنان در جمهوری اسلامی ایران، تعاون شماره ۱۳۸۰، ۱۱۹.
- ۱۶- عنایت، حلیمه (۱۳۷۷): تأثیر اشتغال زنان بر تقسیم کار در خانواده در شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره سیزدهم، شماره‌های اول و دوم.

- ۱۷- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳): زنان، آموزش عالی و بازار کار، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱.
- ۱۸- فراهانی، فاطمه (۱۳۸۰): نقش زنان در آموزش عالی از دیدگاه یونسکو، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۹- کتابی، محمود؛ یزدخوانی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲): پژوهش توانمند سازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه مرکز مطالعات و پژوهش زنان، پژوهش زنان، شماره ۷، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۰- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳): مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۲۱- مصفا، نسرین (۱۳۸۱): مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۲- موسوی خامنه، مرضیه (۱۳۷۱): زنان در فرایند توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۳- ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۲): موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران، کویر.

منابع انگلیسی

- 1- Garnsey, E(1982) Woman Work and Theories Of Class and Stratification. In Giddens and held, eds, oxford university, London
- 2- Huber, Glenna sptze. Wire Employment , Household Behaviors , and sex role Attitude Social Force. 60, 1981, pp. 150-160.paris.
- 3- Hisrich , RD and C, Brush (1984) The Women Entrepreneurs: Management Skills and Business Problems. Journal of Small Business Management, 22, pp.30-37.
- 4- OECD (Organization For Economic Co-operation and Development) (2002) Labor Force Statistics 1981-2001 , Paris.
- 5- Mahler, G(1998), Women Entrepreneurs at the Micro – level: Some Observations & Thoughts, Productivity, Vol.38, Issue4, January – March.
- 6- United Nation , United Nation Economic and Social Commission for Asia and pacific (1997) Employment for woman: Gender Issues in Employment Policy, Social Development Newsletter 36..